گزارشی از سرنوشت چند سالن سینما

هشدار برای «یک فرونشست سینمایی»

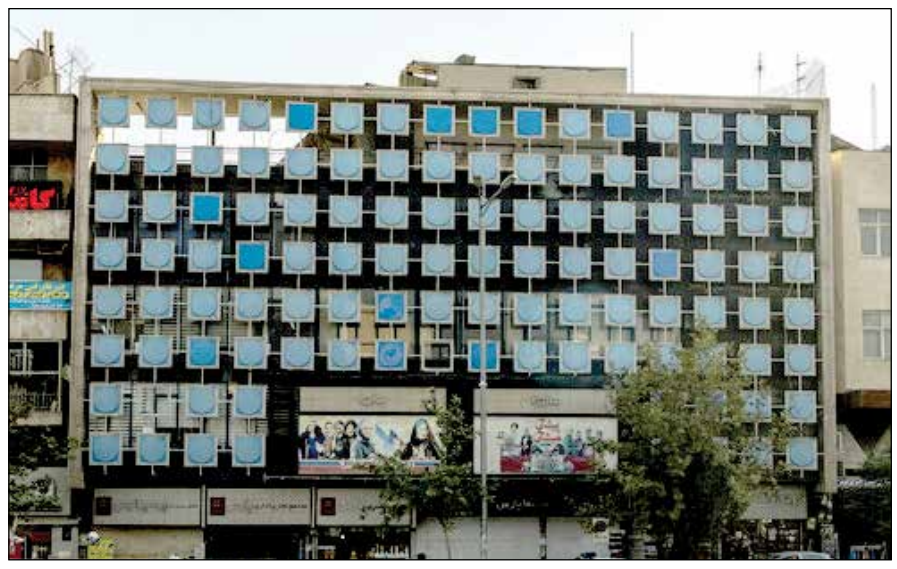

پرسه‌های خیابان انقلاب بدون سینما نمی‌شود. این خیابان با چند مصداقِ اصلی به خاطر می‌نشیند؛ دانشگاه، کتاب، پیاده‌روی، قهوه، سینما. سال‌هاست در حلقهٔ دوّارِ میدان این خیابان که میانِ انقلاب اسلامی (شرقی و غربی) و کارگر (شمالی و جنوبی) حائل شده چند سینما وجود دارد؛ «سینما سانترال» (مرکزی فعلی)، «شهر تماشا» و «یونیورسال»(پارس فعلی) که از بعد از شیوع کرونا تعطیل شدند و حالا با وجود فروکش کردن این بیماری، همچنان تعطیل هستند. به گزارش ایسنا، «سینما مرکزی» از اولین روزهای تأسیس، جزو سینماهای درجه یک محسوب می‌شد. سیف‌الله کامرانی، مالک و مؤسس این سینما، در سال ۱۳۴۱ آن را تأسیس کرد تا عواید حاصله‌اش، صرف امورِ آسایشگاه خیریهٔ قدس، واقع در کرج شود. این سینما در ابتدای تأسیس هزار و ۱۲۶ صندلی داشت اما بعدها این تعداد تغییر کرد.

یکی از کسبهٔ حوالیِ میدان انقلاب دربارهٔ ارزیابیِ وضعیت این سینما در دو سالی که گذشت، آن را «نیمه‌تعطیل» خواند و به ایسنا گفت: بعد از شیوع کرونا، مالکانِ این سینما دیگر فیلمی در آن اکران نکردند تا کسی به این خاطر بیمار نشود. آن‌ها خود را مسئولِ جانِ تماشاچیان می‌دانستند و بنا را بر این گذاشتند بعد از برچیده شدنِ دامانِ کرونا، مجدداً برنامهٔ اکران را فعال خواهند کرد.

او دربارهٔ تأثیرِ نسبیِ تعطیلیِ این سینما و سینماهای مجاور، بر کسب دیگر کسبهٔ همسایه و بافت فرهنگیِ محلّهٔ انقلاب - کارگر - جمال‌زاده توضیح داد: تعطیلیِ این سینما، دیگر فروشگاه‌ها را مستقیماً تحت‌الشعاع قرار داد. بالاخره روزی‌روزگاری است که دانشجوها از این خیابان و میدان گذر می‌کنند و هرجا هم که مردم از آن عبور کنند، زنده خواهد بود. اما از زمانی‌که دانشگاه‌ها تعطیل شد و ویروس همه‌جا را فرا گرفت، چراغِ سینما هم در اینجا خاموش شد.

این کاسبِ قدیمی که خود با محصولات صوتی و تصویری سروکار دارد، از وضعیتِ نامساعدِ مشاغلِ مختلف، خصوصاً تلاشگرانِ عرصهٔ تصویر و تولید گله کرد و گفت: مدّتی‌ست زمزمه‌هایی از بازگشاییِ مجدد سینما مرکزی به گوش می‌رسد. امیدواریم که این‌طور باشد، هرچند ما دیگر مهمانِ امروز و فرداییم و از آن‌جایی‌که دخل و خرج‌مان باهم نمی‌خواند، در شرف تعطیلی هستیم. اما همچنان امید داریم و امیدواریم سینما مرکزی و دیگر سینماهای مجاور بازگشایی شوند و کارشان را از سر بگیرند.

در ادامه به سراغ امیر حسین علم الهی کارشناس سینما رفتیم، او در ابتدای نوشتارش برای ایسنا نوشت:واقعیتش در خصوص چرایی تعطیلی دو سینمای مرکز شهر، سینما مرکزی با ۵ سالن و سینما پارس با دو سالن، سخن گفتن کمی سخت است!

دلیل این سختی هم عدم شنوایی گوش متولیان دولتی سینما است که مثل متولیان اجتناعی ایران نمی خواهند واقعیات حاکم بر چرایی این « فرونشست های سینمایی» را واکاوی و تحلیل کنند!

میدان انقلاب به دلیل شاهراه اتصالی غرب به شرق تهران و البته جنوب به شمال محل اصلی اتفاقات اجتماعی و فرهنگی چند دهه اخیر از منظر رخدادهای مهم‌اجتماعی به دلیل موقعیت مهم منطقه شهری در کنار قرارگیری دانشگاه مهم تهران و وجود بورس کتابفروشی های مهم شهر و البته فعالیت ۳ سینمای مرکزی(۵ سالن)، پارس(۲سالن) و بهمن (یکسال بیشتر لز که ۴ سالن شده است) توانسته است حداقل تا چندسال پیش مرجعیت فرهنگی خود را همانند مرجعیت اجتماعی حفظ کند اما برخلاف تنوع و توسعه کتابفروشی ها ، سینماهای این منطقه نتوانستند همپای این مراکز عرصه مهم « کتاب» رشد کنند و مهمترین دلیل آن هم عدم‌رقابت پذیری این سینماها به دلیل عدم‌تنوع در مضامین فیلم ها (تک محصولی بودن سینمای ایران و اصرار در نمایش تولید داخلی) و ورشکستگی این سینماها از منظر هزینه - درآمد بوده است!

سینما بهمن به دلیل در اختیار بودن آن برای حوزه هنری توانست با یک تغییر کیفی سینما و مدیریت خوب گوی رقابت را پس از بازسازی از دو سینمای آن سوی میدان برباید و عدم توجه به ارتقای سطح کیفی هردوسینمای مرکزی و پارس به دلایل گفته شده (عدم توجیه اقتصادی و نبود فیلم مورد نظر مخاطبهای این دو سینما) به مرور زمان به حاشیه رفتند و سیطره دوساله کرونا نیز مزید بر علت شد که مالکان این دو سینمای بخش خصوصی توقف فعالیت و تغییر کاربری را مدنظر قرار دهند.

بنابراطلاعات موجود سینما پارس به مالکیت تهیه کننده مطرح سینما جناب مرتضی شایسته و شریک ایشان توانسته اند تغییر کاربری این سینما را از ارشاد دریافت نمایند و سینما مرکزی هم به دلیل هزینه های هنگفت بازسازی و مشکلات عدیده اقتصادی بنیاد خیریه کامرانی (بنیانگذار این سینما) و تمرکز بر فعالیت های خیریه ترجیح داده اند بر مبنای درست « هرجا جلوی ضرر را بگیری منفعت است»، سینما را همچنان تعطیل نگهدارند و باتوجه به رکود بحرانی سینما در سالجاری بعید است این مجموعه سینمایی در مهمترین میدان شهر تهران تا اطلاع ثانوی دوباره جان بگیرد.

صرفنظر از ضرورت توجه به وضعیت کیفی پایین این دو سینما که امکان رقابت با پردیس های مجهز تهران را ندارند اما یادمان باشد سینماداری مثل سایر کسب و کارها اگر نتواند درقبال هزینه های سرسام‌آور خود به درآمد مکفی برسد خواه ناخواه بعنوان یک فعالیت ورشکسته محسوب می شود و مالکان معادلات منطقی این ورشکستگی را در عدم فعالیت خود جست وجو خواهند کرد!

و نکته آخر: سیر خزنده تعطیلی سینماهای لاله زار که از اواخر سال ۷۰ آغاز شد در دهه ۹۰ به خیابان انقلاب و میدان ولیعصر و سینماهایش رسید و الان تبعات این سیر خزنده در حال خودنمایی است و اپیدمی کرونا نیز توانست سرعت این سیر خزنده را بیشتر کند تا سبنمای ایران متوجه این نکته باشد که سینماداری یک فعالیت منفک از تولید است و امکان وصل حیات و ممات سینماداری به سیاست های تولید و مصرف فیلم داخلی یک سیاست سرتاسر اشتباه و مرگ آور (تعطیلی سینماها) است و بازهم به من خرده نگیرند دوستان سینمایی که تولید مهم تراست از سینماداری در صورتی که سینما داری مثل هر فعالیت استاندارد توزیع و فروش محصول مختصات منطقی عرضه و تقاضای بازار را در خود دارد و نه مختصات خاص مشتری مداری به سبک تولید و مصرف محصولات داخلی!

فرونشست های سینمایی(تعطیلی) بیشتری را در آینده با این سبک و سیاق علم‌اقتصاد داخلی سینما در پیش خواهیم داشت...» و اما داوود قهردار، گرداورنده کتاب «سینماهای تهران، از قاجار تا امروز» و عکّاس از مرکزیتِ «سینما مرکزی» و اهمیت وجودش و نگرانی‌های نبودش گفت. از این‌که این سینما به‌دلیل شرایط کرونا تعطیل شد.

او معتقد است : سینما مرکزی از جمله سینماهایی بود که بازگشایی‌اش ممکن نشد. این سینما در زمانِ بازگشایی نیز جزو سینماهای اصلی و پرمخاطب بود. عوایدِ حاصله از این فروش بلیت در این سینما خرج بنیاد خیریهٔ کامرانی می‌شد و در دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰ و ۸۰ از جمله سینماهای مهم، اصلی و پرمخاطبِ شهر تهران به حساب می‌آمد. بعد از بروز شرایط کرونا، سینما مرکزی، پارس و شهر تماشا در آستانهٔ تعطیلی قرار گرفتند. شاید در طولِ این مدت، به‌صورت موقّت باز شده باشند، اما در نهایت بسته شدند. وی ادامه داد: سینما بالاخره محلِ تفریحِ مردم است؛ جایی که می‌توانند فیلم‌های روز را تماشا کنند. و وقتی که محلّی برای عرضه وجود نداشته باشد، مردم به سمت مجتمع‌های تجاری و پردیس‌های سینمایی به غرب و شمال تهران مراجعه کنند. از آن‌جایی‌که سینما مرکزی در مرکزِ تهران است، همواره مخاطبانِ زیادی داشته است، اما به‌دلیل حمایت نکردنِ دولت از این سینماها، روبه‌نابودی است. از دههٔ ۳۰ و ۴۰ این روند مرسوم شد تا در محلّه‌های مختلف نیز سینما ساخته شود تا مردم محلّی مجبور به طی کردنِ مسافتِ زیادی نشوند. هم مردم تهران و هم مردمی که از دیگر شهرستان‌ها به تهران می‌آمدند با میدان انقلاب خاطره داشتند و احتمالاً به سینما مرکزی هم می‌رفتند.

قهردار خاطرنشان کرد : اما مسئلهٔ بسیار مهم این است که در حالِ حاضر، در تهران حتی سینماهای اصلی نیز در خطرِ تعطیلی‌اند؛ جدا از این‌که سینماهای محلّی نیز مدت‌هاست در وضعیت خوبی نیستند. سینما مرکزی نیز از جمله سینماهای مجهّز و به‌روز تهران است. کرونا بخشِ کوچکی از دلایلِ تعطیلیِ این سینما است.

او معتقد است: ممیزی، مشکلات اقتصادی، کیفیتِ کم فیلم‌های روی پرده و مجاز نبودنِ انتشارِ فیلم‌های خارجی در سینما همه و همه باعث شده تا بعضی از سینماهای اصلیِ شهر هم تعطیل شوند. این خطر حتی پردیس‌ها را هم تهدید می‌کند. همان‌طور که در جنوب نعمت‌آباد، سینمای کیان نیز وجود داشت که مدتی پیش تعطیل شد. «سینما» بخشی از سبدِ فرهنگیِ مردم است که خطرِ نابودی و تعطیلی آن را تهدید می‌کند. در صورتی که فضا کمی بازتر شود، ساخت فیلم‌های باکیفیت می‌تواند تأثیرِ مثبتی بر روندِ فروش فیلم‌ها داشته باشد.

«بیوه‌های غمگین سالار جنگ» به روایت علیدادی

جنگ سه زن از سه نسل و سرنوشت متفاوت بر سر میراث

محمد علیدادی گفت: در نظر داریم نمایش «بیوه‌های غمگین سالار جنگ» را در چهل و یکمین جشنواره تئاتر فجر روی صحنه آوریم و هر چند گفته می‌شود جای هنرمندان شناخته‌شده خالی است اما ما با همرده‌های خود به رقابت خواهیم پرداخت. به گزارش هنرآنلاین، نمایش «بیوه‌های غمگین سالار جنگ» نوشته محمدامیر یاراحمدی و کار محمد علیدادی به تهیه‌کنندگی مهدیه قره‌باغی از ۸ آبان ساعت ۱۹ در تماشاخانه اهورا روی صحنه است. مهدیه قره‌باغی، پرند کانطوری، نگار سلطانی، مریم معصومی، علی دولتی، ابولفضل یوسفی، احمد زارع، حسام قهوه‌چی، امیرحسین رستمی‌اصل و آریو امیری بازیگران این نمایش هستند. علیدادی در گفت‌وگو با هنرآنلاین درباره جذابیت‌هایی که این نمایشنامه برای اجرا داشت، گفت: من وقتی این نمایش را به کارگردانی شهاب‌الدین حسین‌پور در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر دیدم، به آن علاقه‌مند شدم و بابت اجرا فکرها و ایده‌هایی به ذهنم رسید. چند نمایشنامه دیگر را نیز خواندم و در نهایت بر آن شدم «بیوه‌های غمگین سالار جنگ» را با اینکه اجرای آن بسیار دشوار بود به صحنه آورم. او با بیان اینکه ما باید کهنه افکار خود را دور بیندازیم، درباره موضوع و مضمون این اثر عنوان کرد: در این نمایش رویکرد فمینیستی نداشتم. این اثر از رابطه میان انسان‌ها می‌گوید. یک عمارت اعیانی پادشاهی دارد که سه زن از سه نسل با سه سرنوشت متفاوت بر سر ارث و میراث با هم در جنگند. علیدادی با اشاره به اینکه تمرین‌های نمایش حدود هفت ماه به طول انجامید، درباره سبک و فضای اجرایی آن یادآور شد: نمایش بر اساس روح و روان انسانیت برگرفته از سبک و شیوه گروتفسکی است و سعی‌مان بر این بود با استفاده از رئالیسم در جهت ارتباط بهتر تماشاگر بهره ببریم تا فضا بیشتر برای مخاطب قابل لمس باشد. او درباره ویژگی‌های نمایش یادآور شد: پیام «بیوه‌های غمگین سالار جنگ» به صورت مستقیم به تماشاگر منتقل نمی‌شود بلکه مخاطب را به فکر وامی‌دارد تا دریافت خود را از اثر داشته باشد. این نمایشنامه بسیار قابل لمس است و اگر صد سال دیگر هم اجرا شود مورد پذیرش مخاطب قرار می‌گیرد. همه چیز در این نمایش وفادار به متن آقای یاراحمدی بوده و از جوهره نمایش برای کارگردانی استفاده کرده‌ام. این کارگردان همچنین افزود: در نظر داریم نمایش را در صورت پذیرش در چهل و یکمین جشنواره تئاتر فجر روی صحنه آوریم هر چند گفته می‌شود هنرمندان شناخته‌شده تئاتر جایشان در جشنواره خالی است اما ما با همرده‌های خود به رقابت خواهیم پرداخت. هم اکنون نیز مشغول تمرین نمایش «هنر» نوشته یاسمینا رضا برای اجرا در تالار حافظ هستیم و قرار بود آن را اواخر سال اجرا کنیم که با توجه به شرایط کنونی امکان دارد اجرا با وقفه مواجه شود. علیدادی در پایان صحبت‌هایش ضمن بیان اینکه تئاتر شغل ماست و سرگرمی‌مان نیست، عنوان کرد: شاید این حرفه به عنوان شغل در جایی ثبت نشده باشد اما این هنر شغل ماست و ما نیز در این روزها همچون دیگر مشاغل به حرفه خود مشغولیم و نباید از ما انتظار داشته باشند آن را تعطیل کنیم. ضمن اینکه ما این نمایش را از هزینه شخصی خود آماده اجرا کردیم و هیچ‌گونه حمایتی نداشتیم. این روزها امکان تبلیغ نمایش را نداریم و مجبور شدیم از دوستان و اطرافیان برای تماشا دعوت کنیم چرا که روزانه تعداد اندکی بلیت می‌فروشیم. دیگر عوامل «بیوه‌های غمگین سالار جنگ» عبارتند از سرمایه‌گذار: مهدی خرد، منشی صحنه: نگین سلطانی، دستیار کارگردان: احمد زارع، موسیقی: دیبا قاسمی و دریا قاسمی، تیزر و عکس: امیرعلی عمادی، محمد صفری، پیمان قاسمیانی، طراح دکور: محمد علیدادی، طراح گریم: غزل محمدی، طراح و اجرای لباس: مریم خرد و هلیا شکری و گرافیست: نجمه دستورانی.

تاریخ آشپزی ۶۰۰ هزار سال عقب رفت!

مطالعات انجام شده روی فسیل‌های ماهی کشف شده حاکی از آن است که تاریخ آشپزی ۶۰۰ هزار سال قبل‌تر از آنچه تاکنون تصور می‌شد، شکل گرفته است.

به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، محققان فاش کردند اجداد اولیه انسان که ۷۸۰ هزار سال پیش زندگی می‌کردند، از ماهی‌هایی کاملا پخته‌شده خوششان می‌آمده و بر این اساس، این نخستین شواهد استفاده از آتش برای طبخ غذا است.

این‌که اجداد ما دقیقاً از چه زمانی شروع به پخت‌وپز کرده‌اند، موضوع بحث و جدل در میان باستان‌شناسان است؛ زیرا اثبات این‌که از یک شومینه باستانی برای تهیه غذا استفاده می‌شده و نه فقط برای گرم کردن، کار دشواری است. به واقع، تولد هنر آشپزی نقطه عطف مهمی در تاریخ بشر است؛ زیرا با آسان‌تر کردن جویدن و هضم غذا، اعتقاد بر این است که به گسترش نهایی آشپزی در سراسر جهان کمک زیادی کرده است.

بر اساس مطالعه‌ای که روز دوشنبه (۲۳ آبان‌ماه) در مجله اکولوژی و تکامل نیچر منتشر شد، پیش از این، نخستین شواهد قطعی آشپزی توسط نئاندرتال‌ها و انسان اولیهٔ خردمند به ۱۷۰ هزار سال پیش می‌رسد. این مطالعه که قدمت هنر آشپزی را تا بیش از ۶۰۰ هزار سال پیش جابه‌جا می‌کند، نتیجه ۱۶ سال تحقیق «ایریت زوهر»، باستان‌شناس موزه تاریخ طبیعی استاینهارت دانشگاه تل‌آویو است. در طول این مدت او هزاران بقایای ماهی را که در مکانی به نام «Gesher Benot Yaaqov» که در شمال سرزمین‌های اشغالی یافت شده را مورد بررسی قرار داده است. این محوطه در نزدیکی سواحل رود اردن قرار دارد که زمانی دریاچه بوده است و گنجینه‌ای از فسیل‌های ماهی باستانی در اختیار تیم محققان قرار داده تا تعیین کنند دقیقاً از چه زمانی نخستن آشپزها در آشپزخانه شروع به کار کردند.

ایریت زوهر»، باستان‌شناس به خبرگزاری فرانسه گفت: «مثل مواجهه با یک معما بود تا با اطلاعات بیشتر و بیشتر بتوانیم داستانی در مورد تکامل انسان بسازیم. نخستن سرنخ در منطقه‌ای به‌دست آمد که تقریباً هیچ استخوان ماهی در آن وجود نداشت، اما تعداد زیادی دندان در آنجا یافت شد. این می‌تواند به پختن اشاره داشته باشد؛ زیرا استخوان‌های ماهی در دمای کمتر از ۵۰۰ درجه سانتی‌گراد (۹۳۰ درجه فارنهایت) نرم و متلاشی می‌شوند، اما دندان‌های آن‌ها باقی می‌ماند. با مقایسه نتایج با سایر فسیل‌های ماهی، محققان دریافتند که دندان‌های یافت شده در معرض دمای بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ درجه سانتیگراد (۴۰۰ تا ۹۳۰ درجه فارنهایت) قرار گرفتند و فقط این دما محدوده مناسب برای طبخ کامل ماهی است.

از سوی دیگر «آنائیس ماراست» ـ باستان‌شناس در موزه ملی تاریخ طبیعی فرانسه، ـ هرچند در این مطالعه حضور نداشته، اما عنوان کرده است: اجداد انسان ممکن است استخوان‌ها را در آتش انداخته باشند و کل مسأله در مورد قرار گرفتن در معرض آتش این است که آیا این موضوع به خلاص شدن از بقایای ماهی‌ها بوده است یا تمایل به آشپزی؟»

شاهکار «کلیمت» هنری قربانی یک اعتراض شد

فعالان محیط زیستی به یکی از تابلوهای نقاشی «گوستاو کلیمت» حمله کردند. به گزارش ایسنا و به نقل از گاردین، دو فعال محیط زیستی به یکی از تابلوهای نقاشی اثر «گوستاو کلیمت» نقاش برجسته اتریشی حمله کردند و روی آن رنگ سیاه روغنی ریختند. یکی از معترضان نیز دستش را با چسب به شیشه قاب نقاشی چسباند. اعضای گروه «آخرین نسل اتریش» با انتشار توئیتی اعلام کردند که در اعتراض به استفاده دولت اتریش از سوخت‌های فسیلی به تابلو نقاشی «مرگ و زندگی»(۱۹۱۵) در «موزه لئوپولد» در «وین» حمله کردند. پس از اینکه یکی از معترضان روی نقاشی رنگ پاشید، مامور امنیتی موزه او را از نقاشی دور کرد و معترض دیگر دستش را به نقاشی چسباند. کارشناسان موزه اعلام کردند با اینکه هیچ آسیبی به خود نقاشی وارد نشده است، اما صدمات وارده به قاب، شیشه، دیوار و کفپوش قابل توجه است. چند روز پیش، دو معترض بر روی یکی از نقاشی‌های «امیلی کار» نقاش کانادایی که در «گالری هنر ونکوور» نگهداری می‌شود، شیره درخت افرا ریختند و دست‌هایشان را با چسب دیوار چسباندند. «جیغ» اثر «ادوارد مونک» که در «موزه ملی نروژ» واقع در «اسلو» نگهداری می‌شود، چندی پیش هدف حمله معترضان نیز قرار گرفته بود. مجموعه تابلوهای مشهور «قوطی‌های سوپ کمبل» اثر «اندی وارهول» هنرمند نامدار آمریکایی که در «گالری ملی استرالیا» نگهداری می‌شود نیز توسط معترضان محیط‌زیستی خط خطی شده بود. پیش‌تر دو فعال حوزه محیط زیست دستانشان را به قاب دو تابلو نقاشی اثر «فرانسیس گویا» که در موزه «پرادو» نگهداری می‌شود، با چسب چسباندند. همچنین گروهی دیگر از فعالان روی شاهکار «ون‌گوگ» سوپ نخودفرنگی ریختند. «دختری با گوشواره مروارید»، شاهکار عصر طلایی «یوهانس ورمیر» در «موزه مائریتشویس» واقع در «لاهه» و نقاشی گران‌قیمت «کومه‌ها» اثر «کلود مونه» نیز هدف معترضان قرار گرفته بودند. حتی «آفتاب‌گردان‌ها»ی مشهور «ون‌گوگ» نیز در امان نماندند و دو زن با حمله به تابلوی گران‌قیمت «گل‌های آفتاب‌گردان» روی آن سوپ گوجه فرنگی ریختند. اما حملات نمادین معترضان محیط زیستی فقط به آثار هنری مشهور محدود نمی‌شود و اخیرا فعالان یک گروه محیط زیستی اسپانیایی در اعتراض به اجلاس اقلیمی «COP۲۷» که در مصر برگزار شده است، یک نسخه بدل مومیایی در «موزه مصری» واقع در بارسلونا را هدف قرار دادند.

اخبار کوتاه

ناصر تکمیل‌همایون از دنیا رفت

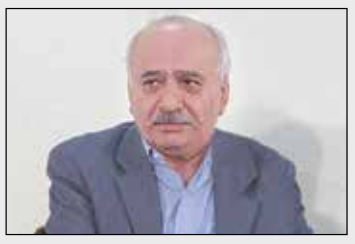

ناصر تکمیل‌همایون (جامعه‌شناس و تاریخ‌نگار) در پی ایست قلبی و در سن ۸۶سالگی از دنیا رفت.

فرزند ناصر تکمیل همایون با تایید این خبر به ایسنا گفت: این جامعه‌شناس و تاریخ نگار صبح ۲۵ آبان ماه درگذشته و احتمالا مراسم خاکسپاری او در روز جمعه ۲۷ آبان ماه در قزوین برگزار می‌شود. ناصر تکمیل‌همایون متولد ۱۳۱۵ در قزوین بود. او دورهٔ کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی و کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی را در دانشگاه تهران گذراند و دورهٔ دکترای تاریخ و دکترای جامعه‌شناسی را در دانشگاه پاریس به پایان برد. از جمله آثار او می‌توان به «تاریخ ایران در یک نگاه»، «آموزش و پرورش در ایران»، «آبسکون، یا، جزیره آشوراده»، «سلطانیه»، «دانشگاه گندی‌شاپور»، «تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران: از آغاز تا دارالخلافه ناصری» «مشروطه‌خواهی ایرانیان (مجموعه مقالات)» و «جاده ابریشم» اشاره کرد. از این جامعه‌شناس و تاریخ‌نگار اخیراً اثری با عنوان «مصدق در دورهٔ قاجار» منتشر شد. تکمیل‌همایون اثرِ دیگری به نام «ایران جان» از (انتشارات نگارستان اندیشه) را در آستانهٔ رونمایی داشت. این اثر با مضمون «هویت ملی» به نگارش درآمد. او در روزهای اخیر در پی ایست قلبی در بیمارستان طالقانی تهران بستری شده بود.

کشف مجسمه‌های ۱۵۰۰ ساله در چین

باستان‌شناسان مجموعه بزرگی از مجسمه‌های سفالین را در یک مقبره باستانی واقع در شمال چین کشف کردند. به گزارش ایسنا به نقل از آرت‌نیوز، نشریه چینی «دیلی چاینا» از کشف شمار قابل‌توجهی از مجسمه‌های سفالین به شکل انسان توسط باستان‌شناسان موسسه فرهنگی و باستان‌شناسی «داتونگ» خبر داد. این مجسمه‌های باستانی که از یک مقبره کشف شده‌اند، اطلاعات بیشتری را در راستای تحقیقات درباره فرهنگ ترحیم، لباس‌های قومی و زندگی اجتماعی دودمان «وی شمالی» ارائه می‌دهند. «وی» یکی از سلسله‌های سلطنتی چین بود که توسط طایفه «توئوبا» تأسیس شد. این مجسمه‌های ۱۵۰۰ ساله افرادی را در شغل‌های مختلف نشان می‌دهند که از جمله آن‌ها به رقصنده، موسیقیدان، خدمتکار و کارگر می‌توان اشاره کرد. باستان‌شناسان همچنین مجسمه‌هایی کشف کرده‌اند که به شکل حیوانات ساخته شده‌اند. بقایای چند ظرف سفالین نیز در این مقبره کشف شده است. کارشناسان معتقدند با توجه به شواهد باقی مانده، این مقبره به فردی از طبقه بالای جامعه تعلق داشته است.

«جنگ جهانی سوم» پدیده غیرقابل پیش‌بینی اسکار!

فیلم «جنگ جهانی سوم» در گزارشی به عنوان یکی از ۵ فیلمی معرفی شده که می‌تواند موفقیت غیرمنتظره‌ای در اسکار ۲۰۲۳ داشته باشد. به گزارش ایسنا، نشریه هالیوود ریپورتر در مطلبی با اشاره به ۵ فیلم از جمله «جنگ جهانی سوم» نماینده رسمی سینمای ایران در اسکار ۲۰۱۳، از آنها به عنوان شانس‌های غیرمنتظره شاخه بهترین فیلم بین‌المللی۲۰۲۳ نام برده که با تحت تاثیر قرار دادن مخاطبان جهانی، حالا باید نظر اعضای آکامی را جلب کنند. در توصیف «جنگ جهانی سوم» در این مطلب آمده است: «درام پوچ‌گرایانه هومن سیدی داستان کارگری روز مزدی را روایت می‌کند که پس از دست دادن همسرش در یک فاجعه وحشتناک، به‌طور شگفت‌انگیزی برای بازی در نقش آدولف هیتلر در فیلمی ایرانی و آلمانی از جنگ جهانی دوم انتخاب می‌شود. ترکیب کمدی، درام احساسی و تفسیر اجتماعی ظریف، هیات داوران جشنواره فیلم ونیز را برانگیخت، تا جایی که جوایز بهترین فیلم و بهترین بازیگر مرد (محسن تنابنده) در بخش افق‌ها به این فیلم رسید. همانطور که در فیلم‌های ایرانی معمول است. باید منتظر ماند و دید اعضای آکادمی اسکار با توجه به مسائل اخیر در ایران از نماینده سینمای ایران حمایت می‌کنند یا خیر. ساخته هومن سیدی پس از حضور موفق در جشنواره ونیز در سی و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو نیز در بخش مسابقه اصلی به نمایش گذاشته شد و در نهایت جایزه ویژه هیات داوران را به خود اختصاص داد. در فیلم «جنگ جهانی سوم» بازیگرانی چون محسن تنابنده، ندا جبرئیلی، مهسا حجازی، نوید نصرتی، لطف‌الله سیفی و حاتم مشمولی به ایفای نقش پرداخته‌اند و پخش بین‌المللی این فیلم بر عهده محمد اطبایی کمپانی مستقل‌های ایرانی است.

انیمیشن «خانه» در فینال جشنواره فیلم قهرمانان ایتالیا

انیمیشن «خانه» به تهیه کنندگی و کارگردانی حامد عزیزی، نامزد کسب جایزه در جشنواره بین المللی فیلم قهرمانان ایتالیا شد. به گزارش ایلنا ، پویانمایی «خانه» به نویسندگی حامد عزیزی، در ژانر درام و علمی تخیلی ساخته شده است که به موضوع حفاظت از محیط زیست می‌پردازد و مدت زمان آن یک دقیقه است. خانه، با نگاه آینده نگرانه و هشدار به انسانها تولید شده است و در خلاصه داستان آن آمده است :«خیلی دور خیلی نزدیک،همه به دنبال بازگشت به اصالت خود هستند و دلشان در خانه آرام می‌گیرد.از خانه خود محافظت کنیم.» این انیمیشن محصول سینمای مستقل و تجربی است و تنها نماینده ایران در این جشنواره است. پخش بین المللی پویانمایی خانه را استودیو چهار و هرنان اورتیز بر عهده دارد. پویانمایی خانه، پیش از این نامزد بهترین انیمیشن کوتاه از فستیوال فیلم مکمینویل امریکا شده است و همچنین جایزه بهترین جلوه‌های بصری آینده نگر را از فستیوال پورتو سزارئو و جایزه بهترین انیمیشن با نگاه خلاقه به معماری شهری آینده از جشنواره فیلم عجمان امارت، را کسب کرد. این جشنواره در سه بخش فیلم و سریال‌های بین المللی، تلویزیون و پخش آنلاین (با تمرکز بر علمی تخیلی، فانتزی، ترسناک، هیجان‌انگیز، اکشن ماجراجویی، سینمای کمیک) و فیلم کوتاه و سریال برگزار می‌شود که بر ژانرهای واقعی و خارق العاده تمرکز دارد. سومین دوره جشنواره بین المللی فیلم قهرمانان ایتالیا، در تاریخ۲۴ تا ۲۶ نوامبر در شهر رم برگزار می‌شود. آثار راه یافته به این جشنواره در بخش‌های انیمیشن، فیلم کوتاه، آکادمی‌ها، مستند و موزیک ویدئو با هم رقابت می‌کنند و در هر بخش جوایزی به برگزیدگان اهدا می‌شود.

اعتراض به ارائه آثار تقلبی در بازار هنر

یک استاد نقاش ۸۵ ساله با اعتراض به ارائه آثار تقلبی با امضای او در بازار هنر، اعلام کرد که طرح شکایت رسمی در مراجع ذیصلاح برای مجازات متقلبین آثار هنری را ارایه کرده است.

به گزارش ایسنا، منوچهر نیازی - نقاش - در این باره توضیح داد: «بیش از هفت دهه است به عشق مردم نقاشی می‌کنم، بن مایه آثارم احساس و عشقی است که از مردم می‌گیرم و علاقه‌مندان به هنر می دانند آثارم همه این سال‌ها در اقصی نقاط دنیا با اقبال و استقبال روبرو شده است. در سال‌های اخیر هم در حراج ها با افزایش قیمت روبرو شده و خوشبختانه روند رو به رشدی دارد، اما متأسفانه اخیرا متوجه شدم عده ای جاعل و متقلب در حال تولید آثار تقلبی از من هستند و علاوه بر جعل امضای من، سرتیفیکت جعلی هم درست کرده‌اند.»

این استاد نقاش تصریح می‌کند: «از این اتفاق باورنکردنی بسیار ناراحت و دل‌شکسته‌ام؛ نه فقط برای خود و هنرم، بلکه برای مردم عزیز، خریداران، مجموعه داران و گالری دارهایی که ندانسته برای اثر جعلی و تقلبی پول پرداخت می‌کنند.» نیازی اضافه کرد: «بی شک از مراجع ذیصلاح پیگیری قانونی خواهم کرد و از متقلبین شکایت رسمی می‌کنم.»